

مكتبة رفایی

دکتر فریدون سیامک نژاد

نام کتاب:

نویسندگان پژوهش

تدوين:

دکتر هرمز ابراهیم نژاد

مترجم:

دکتر قربان بهزادیان نژاد

ناشر:

تهران، مؤسسه اطلاعات

نوبت چاپ:

۱۳۹۶ - اول

قیمت:

۱۵۰۰ تومان

درس ناشر:

اطلاعاتی وسیہ

وَالْمُؤْمِنُونَ

صرفی است و الزاماً بازتاب دهنده اثر درمانی آن ها نیست.

تأکید می کنم منکر آثار متنوع درمان های غیرزیست پزشکی نیستم؛ اگرچه در برابر کوشش هایی که انجام می دهند تا فرآورده های بازاری را به عنوان سیستم پزشکی ارایه نمایند، مقاومت هایی وجود دارد. برای این که چنین اشتباهی ایجاد نشود، چون نویسنده کان فصل های مختلف این کتاب موافق هستند که پزشکی مدرن را یک سیستم مدنظر داشته باشند، ولی قابل انکار نیست که فناوری مدرن و نهادهای مدرن در روابط اجتماعی و جهانی شدن در هر عمل پزشکی و یا حداقل بر زیست پزشکی تأثیر داشته است و به تغییراتی انجامیده است. بر این مبنای کاربردن واژه ارتتوکس (جزم گرایی) برای زیست پزشکی همچنان که در بردارنده مخالفت یا تضاد غیرارتدوکسی برای پزشکی های جایگزین است دقیق نیست. پزشکی سنتی را نمی توان در بستری که بسیار پذیرفته شده یا توسط دولتها مورد حمایت قرار گرفته است و برای هر نوع عمل پزشکی که به مثاله قانونمندی، مقبولیت و کنترل دولت عمل کرده است، می توان ارتتوکس نامید. اشکال گوناگون توسعه پزشکی مدرن و سازگاری آن با بسترها اجتماعی در مناطق مختلف همچنان که در فصل های این کتاب مطالعه و ارایه شده است نشان می دهد که پزشکی مدرن نیز ارتدوکس نیست. بنابراین، اگر با این که اعمال پزشکی یک موضوع فرهنگی متکی بر شرایط اجتماعی، اقتصادی و انسان شناختی است، موافق باشیم، این اصل نیز برای درمان های پزشکی غیرزیستی محفوظ خواهد بود. پیامد چنین

همکار و دوست فرهیخته آقای دکتر قربان بهزادیان نژاد، ید طولایی در ترجمه کتاب های با ارزش پزشکی دارند. ایشان در عین حال قلم خوبی نیز در نگارش این گونه کتاب ها داشته و خدمت شایانی به دنیای کتاب، خصوصاً کتاب های پزشکی دارند.

آقای دکتر هرمز ابراهیم نژاد در پیش درآمد کتاب مطالب خوبی در مورد انگیزه کار تدوین کتاب داشته اند. برای آگاهی از هدف ایشان در این کار، مطلب ایشان را با هم مرور می کنیم:

کتاب حاضر با وجود آن که از عنوانش ممکن است استنباط شود، فرضیه یا هدفی جز اثبات پزشکی غربی مدرن (یا زیست پزشکی یا پزشکی زیستی) و برتری آن بر پزشکی های غیر غربی یا شیوه های پزشکی جایگزین ندارد؛ در صورتی که هدف این کتاب تهیه گزارش هایی است که چگونه پیشرفت، دست یابی و توسعه پزشکی مدرن در بسترها غیر غربی به چشم اندازه هایی فراتر از طبقه بندی غربی - غیر غربی پیش می رود.

چنین طبقه بندی (غربی - غیر غربی) از دوره استعماری به ارث رسیده است و بیشتر به صورت ضمنی بر سیاسی بودن، دلالت دارد. به نظر می رسد در حال حاضر به علت گسترش بازار پزشکی است که در آن هر نوع درمان جایگزین به عنوان جانشین زیست پزشکی مطرح می شود و جانبدارانی یافته است. به عبارت دیگر، هرگاه زیست پزشکی در عرصه های با شکست مواجه گردد، این مکاتب فرست به دست می آورند و خود را عرضه می کنند. از این رو، لازم است بگوییم که کاربرد فزاینده پزشکی سنتی، جایگزین یا غیر مرسوم، پدیده جامعه

است، ولی اظهارنظر و نقد عالمانه‌ای به برنامه او لیه من داشتند و نظرهای آن‌ها در سازماندهی نهایی و مفهوم کتاب کمک کرد؛ بسیار مدیونم. اگرچه ممکن است همه توصیه‌ها و پیشنهادهای آنان را عمل نکرده باشم. باید خوشوقتی و ارادتمن را به آنه ماری مولین و پاتریس بوردلایس (Patrice Bourdelais) که هر وقت نیاز داشته، آماده راهنمایی ام بودند، بیان کنم. از آن‌جا که جهت‌گیری مطالعه‌ای ام به تاریخ اجتماعی پژوهشی به بیش از یک دهه پیش باز می‌گردد، این کتاب نیز همین رویکرد اجتماعی را دنبال کرده است.

در آخر، از ولکام تراست سپاس‌گزار هستم و تأکید می‌کنم این حمایت‌ها در انتشار نتایج تحقیقاتم صمیمانه از حمایت سخاوتمندانه و مستمر در تاریخ پژوهشی از جمله آن‌چه در این مجلد عرضه خواهد شد، بسیار سودمند و مؤثر است.

آقای دکتر بهزادیان نژاد نیز با قلم شیوای خود، مقدمه مطولی بر کتاب نگاشته‌اند که گویای تسلط ایشان بر کار نویسنده‌گی و نگارش چنین کتاب‌هایی دارد. برای آشنایی بیشتر خوانندگان، مقدمه را با هم مرور می‌کنیم:

الهی، فضل خود را پیار ما کن
ز رحمت یک نظر در کار ما کن
که تا مطلوب جانم حاصل آید
مگر قولم قبول یک دل آید
اگر یک دل شود زین کار خشنود
مراد جان برآید کام دل بود
سخن بر من، هدایت بر خداوند
خداوند، جدایی را بپیوند
تقسیم حیات بشر به تاریخی و پیش از تاریخ و

رویکردی بهشت بر سیستم اثرگذار است و آن را دستخوش تغییر می‌سازد.

به هر حال، فکر برنامه‌ای که به عرضه و انتشار این کتاب انجامید، در هنگام فعالیتم در فرآیند نوسازی پژوهشی در ایران شکل گرفت. این پژوهش را هنگامی که بورسیه تحقیقاتی مرکز ولکام تراست در لندن بودم، انجام می‌دادم.

در مطالعه ایران، من همیشه به تفاوت‌ها و توازن‌ها در تجربه نوسازی سایر کشورهای اسلامی یا همسایه‌ها، علاقه‌مند بودم و گاهی کوشش می‌کردم که آن‌ها را با هم مقایسه کنم. اما مطالعه تخصصی‌تر در این زمینه، نیازمند تجربه در تاریخ پژوهشی کشورها و مناطق مختلف است. از این‌رو، من تعدادی از اندیشوران را دعوت کردم تا تجربه‌شان را در موارد گوناگون و مفاهیم نوسازی پژوهشی در کشورهای غیرغربی ارایه نمایند. برای این کار کارگاهی در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ در لندن و با حمایت مرکز ولکام تراست تاریخ پژوهشی در UCL برگزار شد. فصل‌های این مجلد، متشکل از مقاله‌های بازبینی شده‌ای است که در کارگاه خوانده شدند و مورد بحث قرار گرفتند؛ و نیز مقاله‌هایی است که بعداً به‌وسیله سایر دانشوران نوشته شده است. در این‌جا، علاقه‌مندم که از همه شرکت‌کنندگان در جلسات که با اظهارنظرها و نقدهای ارزنده‌شان، بحث‌ها را غنا بخشیدند و آن‌ها را وسعت دادند، سپاس‌گزاری کنم و تشکر ویژه‌ام را به نویسنده‌گان فصل‌های این کتاب تقدیم نمایم که به درخواست من با وجود مشغله زیاد و برنامه زمان‌بندی قبلی که داشتند، پاسخ دادند. من به داوران مقالات که نام آن‌ها در این‌جا مطرح نشده

است؛ زیرا تلاش‌هایی که پیش از این دوران برای دست‌یابی به پیشرفت‌های علمی صورت می‌گرفت از جمله تدوین منشور علم و دانش شارلمانی چندان با اقبال مواجه نگردید و چند قرن بعد یعنی از نیمه قرن پانزدهم به بعد تحت تأثیر و برآیند سه مؤلفه بسیار حائز اهمیت: یکی، کتاب‌ها و آثار ارزنده تمدن اسلامی دوره میانه؛ دیگری نهضت بازگشت به تفکر اصیل یونانی؛ و سوم تجربه گرانسنجی که از دخالت کلیسا و شرایط بسیار دشواری که زندگی را بر مردم و مجال اندیشه‌ورزی نخبگان را محدود ساخته بود، زمینه را برای رشد علمی در کنار توسعه دیگر ابعاد فراهم آورد.

- به عبارت دیگر، ویژگی‌های جامعه غربی یعنی:
- ۱ - نظام فئوکالی، عدم مرکزی‌گرایی
 - ۲ - فرآیند جدایی دین و دولت (کلیسا و حکومت)
 - ۳ - زمینی و مادی دیدن پدیده‌های علمی (یا رازهایی از پدیده‌ها)
 - ۴ - انسان‌گرایی (اومنیستی) و مادی‌گرایی (ماتریالیستی)
 - ۵ - شکاکیت و تجربه‌گرایی
 - ۶ - ...

موجب شد امکان جذب و رویش علمی مهیا شود. بدین‌سان، در قرن شانزدهم که به تعبیر ویل دورانت چندان مناسب فلسفه‌ورزی نبود، بذرهایی از تفکر و اندیشه جوانه زد که زمینه را برای شکل‌گیری علوم و پژوهشی مدرن فراهم آورد. در این مسیر نهضت کالبدشکافی به وجود آمد و پاراسلسوس کارهای بسیار ارزنده‌ای در شناخت اعضا انجام داد. فلچ اندام‌های بدن و اختلال‌های تکلم را ناشی از صدمات و خراش‌ها دانست و

نیز دوره‌بندی به باستان (یونانی)، میانه (اسلامی) و مدرن (اروپایی یا غربی) هرچند مخالفان سرسختی دارد، لیکن پذیرش و مقبولیت نسبی عمومی نیز یافته است و در هر حال هر یک از این دوره‌ها ویژگی‌های اندیشه‌ای و عملی خاص دارد.

اگر از این ادواربندی آگاهانه که برای فهم تحولات صورت گرفته، چشم‌پوشی کیم، همبستگی و پیوستگی حیات انسان و روند پرفراز و فرود آن محرز خواهد شد و خط فاصل و مرز روشنی بین دوره‌ها دیده نمی‌شود. در عرصه هنر پژوهشی که محل بحث این کتاب است، بررسی سر برآوردن نظریات و تجارب جدید، حذف اندیشه‌های پیشین یا تکامل آن‌ها و سرآمدی ساکنان مناطق جغرافیایی و نقش پژوهشی در زندگی انسان‌ها (و سایر موجودات)، ... اساسی‌ترین مسائل است. به بیان دیگر، در دوره باستان (یونان)، در قرون وسطای (خاورمیانه) و در دوره مدرن (اروپا) استیلا داشته‌اند و در آینده شاید در حوزه جغرافیایی و تمدنی و عقیدتی دیگری در این عرصه بدرخشد. با نگاهی گذرا به تاریخ جذب، جوانه، رویش و بالیدن علوم مختلف در هر سه دوره مشابهت‌ها و مفارقت‌های فراوانی دیده می‌شود. شاید اگر بخواهیم دقیق‌تر سخن بگوییم، در دوره‌های باستان و میانه پارادایم علمی، مشابهت بیشتری دارند.

به هر حال، تردیدی نیست که علوم پژوهشی مدرن (غربی) در اروپا شکل گرفت و به سایر مناطق جهان انتشار یافت. منطقه جغرافیایی که پیش از نویزایی (رنسانس) و دوره مدرن درخشش خاص علمی نداشته و به نظر می‌رسد در فرآیند تاریخی طولانی‌مدت به چنان استعداد و قابلیتی دست یافته

گزارش، چاپ و به اطلاع علاقهمندان می‌رساند. پدیدهای که پیش از آن بسیاری از محققان و پژوهشکاران یافته‌های علمی خود را پنهان می‌ساختند و عرضه نمی‌کردند را تغییر داد.

۲ - غنابخشی: زیست‌شناسی، فیزیولوژی و کالبدشناسی زمینه را برای کشف‌ها و آزمون‌های مستمر هموار ساختند.

الف - در سال ۱۶۶۸، فرانچسکو خلق موجودات جاندار از ماده بی‌جان را که تا آن زمان نظریه‌ای غالباً بود رد کرد. پس از او، ردی نشان داد اگر گوشت‌ها دور از حشرات نگهداری شوند، در آن‌ها حشره‌ای بوجود نمی‌آید. او نوشت هر موجود زنده‌ای از بذر یا تخم سر بر می‌آورد. افزون بر این با انجام تجربه‌ای مشخص کرد که درست برعکس، این موجودات ریز (حشرات) هستند که گوشت‌ها را تخریب و فاسد می‌نمایند.

ب - نمونه دیگر لونهوك است که استعداد شکرگرفی داشت و سرگرمی اش آزمایش و ساخت ابزارهای لازم برای پژوهش بود. نقل شده که ۲۴۷ وسیله در اختیار داشته است که اکثر آن‌ها را خود ساخته بود و از جمله آن‌ها و شاید مهم‌ترین و تأثیرگذارترین در پژوهشکی میکروسکوپ باشد. لونهوك موجودات ذره‌بینی را با این میکروسکوپ می‌دید و به کنجکاوی و علاقهمندان نشان داد و شکل آن‌ها را به زیبایی ترسیم می‌کرد. او باکتری‌های اسپیروکت شکل دهانی را از روی دندان‌های خود شناسایی کرد و با تأکید بر این که دندان‌هایش را مسواک زده است، توجه به مطالعه این موجودات را افزایش داد. افزون بر این، اسپرماتوزوید را در منی مشاهده کرد و

نیز تأثیر عوامل جغرافیایی و حرفة‌ای را در بروز بیماری‌ها مطرح ساخت. امبروازپاره با مهارت خارق‌العاده‌ای به انجام اعمال جراحی اهتمام ورزید و دو جلد کتاب در این باره به رشته تحریر کشید. در این فرآیند به جراحی هویت مستقلی داد و آن را از دست دلاک‌ها نجات داد. والریوس نخستین کتاب فارماکوپه را نوشت. پیر بلون تشابه و انطباق استخوان‌های انسان و پرندگان را پیشنهاد نمود و بالاخره خوان ویوس، روانش‌شناسی را تجربی دانست و ...

دستاوردها و مقدماتی که ویل دورانت به رستاخیز زیست‌شناسی تعبیر می‌نماید. به هر حال از شواهد تاریخی بهوضوح می‌توان محورهای اساسی که در جهت ایجاد فرآیند تکامل پژوهشکی نقش داشته‌اند شرح داد:

۱ - نهادسازی: تشکیل نهادهای علمی

الف - در فرانسه لویی چهاردهم آکادمی را به عنوان بخشی از ساختار دولت تشکیل داد. او چهره‌های برجسته‌ای چون کاسینی از ایتالیا، رومر از دانمارک و هویگنس از هلند و ... را برای عضویت دعوت کرد و به جمع ۲۱ نفره‌ای مسؤولیت این کار واگذار گردید. برای اعضا این آکادمی مستمری تعیین کرد. در آکادمی شک دکارتی مبنای پژوهش‌ها بود.

ب - در انگلستان انجمن سلطنتی تأسیس شد. این نهاد برخلاف فرانسه، خصوصی بود و از دولت به صورت موردنی کمک دریافت می‌کرد. انجمن با محققان انگلیسی و پژوهشگران سایر کشورها ارتباط برقرار کرد. نشریه‌ای منتشر ساخت و در آن دستاوردهای علمی و تکنولوژیک را به صورت

تعداد آن را در یک میلی لیتر معین ساخت. شیمی و فیزیک علم‌های مستقل و حائز اهمیتی شدند و دیری نپایید که از چنان جایگاهی برخوردار شدند که ادوارد گین در سال ۱۷۶۱ نوشت، این دو علم اکنون بر تخت فرمانروایی نشسته‌اند. دو علمی که در آینده بسیاری از تشخیص‌ها، درمان‌ها و پیشگیری‌ها متکی بر آن‌ها شدند. بویل در سال ۱۶۶۱ رساله‌ای به نام شیمی شکاک نکاشت که تأثیر زیادی داشت.

۳- شکل‌گیری نظریات جدید

الف - چنانچه بیان شد نظریه پیدایش خودبه‌خود نخست بوسیله فرانچسکو و ردی مطرح شد. مطالعات نشان داد که برای نشو و نمو بذری که در زمین فرو می‌رود به شرایط خاصی نیاز می‌باشد؛ و پس از کشف لونه‌هوك، کخ و پاستور نیز میکرووارگانیسم‌های دیگری کشف نمودند.

به هر حال، مبتنی بر این یافته‌ها نظریه‌های جرمی بودن نیز شکل گرفت و با گذشت زمان به اثبات رسید و منشأ تحولات زیادی شد.

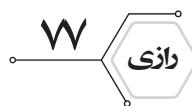
ب - در پرتو نهضت کالبدشکافی، کشف و شکل‌گیری علوم مختلف از جمله باکتری‌شناسی، شیمی و ... است که رساله شیمی بویل آشکارا می‌گفت، در صدد است همه توضیحات مرموز و کیفیات نهانی را مشابه پناهگاه جهل طرد نماید، و بر تجربه بیش از قیاس متکی باشد. به عبارت دیگر، علومی که بر پزشکی تأثیر داشتند و عنصر تشکیل‌دهنده آن بودند صرفاً به تجربه متکی شوند، و پی‌آیند آن تجربی شدن کامل پزشکی در قرن هجدهم است. بدین سان و با این روش تجربی نظریات پیشین به محک ازمون درآمدند. چنان

که بویل طبایع چهارگانه و عناصر آن را رد نمود و می‌گفت هوا، آتش، آب و زمین اجسام مرکب هستند و عنصر نیستند.

ج - با گذشت زمان و استقرار پایدار علم، در قرن هجدهم دانشمندان مرزهای ملی، دینی و جبهه‌های جنگ را نادیده گرفتند و برای شناخت جهان دست به همکاری دادند.

در این مسیر دنبورگ می‌گفت علم حد و مرز نمی‌شandasد و به هویکس نوشت: امیدوارم که همه ملل حتی آنان که تمدن کمتری دارند، به موقع همچون دوست یکدیگر را در آغوش گیرند (ملل متمدن و غیر آن) چه از نظر مادی و چه معنوی دوست در دوست یکدیگر بگذارند تا جهالت را نابود کنند و فلسفه حقیقی و سودمند را حاکم سازند. به عبارت دیگر، به خصلت جهانی بودن علم از یک سو و مسؤولیت و رسالت علم و دانشمندان از سوی دیگر تأکید می‌ورزید. رسالتی که به نظر می‌رسد از اواخر قرن هجدهم با خوشبینی فراوانی تبلیغ می‌شد و بر این باور بود که توانایی ایجاد جهان عاری از درد، رنج و بیماری برای نوع بشر را دارد؛ ولی به تدریج در اواسط قرن بیستم غیرواقعی بودن آن نمایان شد.

دیگر ویژگی‌های علم نظیر وحشی بودن، سکولار بودن مستقیماً در نوشه‌های این دوره آمده است و یا از فرآیندهای تجربه شده قابل استنباط است. درباره مشخصه سکولار بودن علم ویل دورانت اشاره می‌کند دو نیرو برای تسخیر دل و اندیشه مردم به زورآزمایی تاریخی پرداخته‌اند: یکی می‌کوشید به یاری دین، خوی و سیرت انسانی را قالبریزی نماید و دیگری بر آن است که به



مستعمره‌ها و نیز کشورهایی نظیر ایران و ترکیه که مستعمره نبوده‌اند، الگوهای ارتباطی متفاوتی را تجربه کرده‌اند.

۲ - مطالعه تاریخ اروپا به وضوح روشن می‌سازد که نهاد دین و علم تضاد واضحی داشته‌اند. بهویژه آن که ارباب کلیسا در دوره شکل‌گیری علم مدرن، شدیدترین مواجهه‌ها و سخت‌ترین برخوردها را با اهالی علم به کار بسته‌اند. اگرچه تلاش‌ها و اندیشه‌هایی از قرن هجدهم و حتی پیش از آن شکل گرفت که این دو مقوله را با هم آشنا دهند و یا ادغام سازند؛ ولی به‌نظر می‌رسد چنین کوشش‌هایی در غرب ناکام مانده است. در حالی که در پدیده ورود و انتقال دانش‌های جدید به‌ویژه پزشکی به کشورهای مستعمره و یا ممالک مستقل اما توسعه‌نیافته نظیر ایران این دو (نهاد دین و علم) متحده تلقی می‌شوند. گمان می‌رود بتوان گفت چهار گروه از غربیان هر یک به انگیزه خاص به ممالک مستعمره وارد شده‌اند:

الف - روشنفکرانی که به قصد روشنگری و ترویج همان اندیشه‌هایی که به مدرنیته و حذف کلیسا در غرب انجامید، عمل می‌نمودند.

ب - مبلغان (میسیونرها) که مذهبی که یا در سودای قدرتی دیگر بودند و یا در صدد نوعی بازخوانی و یا بازتعريفی از نقش کلیسا و راهبران آن بودند که مقبول جامعه شرقی قرار گیرند و آن‌ها را به آیین خویش جذب کنند.

ج - سوداگرانی که انگیزه کسب ثروت و استفاده از منابع سرشار تمدنی و زیرزمینی و ... داشتند.

د - دانشمندانی که اگرچه در بد امر با روشنگران و روشنفکران در یک گروه بودند؛ ولی با حرفه‌ای

پرورش عقل و اندیشه پردازد. دین در روزگار نیاز و درماندگی و در زمانی که انسان محتاج دلداری روحی و نظام اخلاقی است، مردم را به خود می‌کشد و علم در روزگار وفور و آسایش. در رابطه بین این دو، غالب کتاب‌های تاریخ پزشکی معتقدند که پزشکی اندک از افکار جزئی گذشتگان رها شد و از سلطه دین بیرون آمد و ماهیت سکولار به خود گرفت. بدین سان می‌توان گفت پزشکی غربی یا پزشکی زیستی در شرایط و بستر ویژه‌ای شکل گرفته است. این پزشکی هم‌زمان با نشو و نمو و تکامل به مبانی نظری، اصول، قواعد و ساختارهای ویژه خویش دست یافت.

پزشکی در دیگر مناطق از جمله کشورهایی که در این کتاب درباره آن‌ها نمونه‌هایی ارایه گردیده است، تقریباً با یک رکود قطعی و ایستایی در زایش و نوآوری مواجه بود. در این کشورها مکاتب پزشکی گوناگون با درجات مختلفی از شباهت و تمایز وجود داشت و هر یک به میزانی امکان جذب و پذیرش اندیشه‌های تازه را نشان می‌دادند. موقعیت نخبگان، شرایط حکومت کشورها تفاوت بارزی با هم داشتند. به هر حال، برای مطالعه رویارویی پزشکی غربی با شرایط پزشکی و اجتماعی این کشورها چند نکته و توضیح مختصر، مفید می‌نماید:

۱ - در جوامع اسلامی از جمله ایران در نزد افکار عمومی غرب و پدیده استعمار امری واحد در نظر گرفته می‌شود و از عملکرد متفاوت دولت‌های مختلف استعماری غفلت می‌شود، در حالی که به نظر می‌رسد چنان که نویسنده‌گان فصل‌های مختلف سعی کرده‌اند نشان دهنده، هر یک از کشورهای استعمارگر (انگلستان، فرانسه و ...) و

میان اندیشمندان این کشورها می‌باشد. بسیاری دستیابی به توسعه علمی را پیش‌نیاز و شرط دسترسی به پیشرفت یا توسعه همه‌جانبه می‌دانند؛ و گروهی معتقد هستند که محیط ایران برای رشد علمی مناسب نمی‌باشد. در حالی که کشورهایی که در این کتاب برای مطالعه انتخاب شده از حیث دستاوردهای علمی و ارایه خدمات پزشکی و نیز مراقبت سلامتی، تفاوت‌های بسیار روشنی دارند. در هر حال با مطالعه تجارب کشورهای مختلف در زمینه نوسازی بهوضوح می‌توان با میشل فوکو هم‌آوا شد که پزشکی تاریخ عظیم و کلی ندارد، بلکه، تاریخ‌های متعدد است که رخ می‌نماید. در پایان بر خود لازم می‌داند از دوستان فرهیخته‌ای که در ترجمه و نشر این کتب نقش داشته‌اند به‌ویژه جناب آقای دکتر صادق حیدری‌نیا که در تمام مراحل کمک‌های ارزندهای نموده و جناب آقای دکتر رحمن قهرمانپور که ترجمه و انطباق با منابع ترکی را انجام دادند؛ و سرکار خانم حسینیان که ویرایش نوشته را به عهده گرفتند صمیمانه سپاسگزاری کنم.

در خاتمه، ضمن تشکر از دوست گرامی و همکار فرهیخته جناب آقای دکتر قربان بهزادیان نژاد برای ارسال و هدیه کتاب به مجله خودشان، ماهنامه دارویی رازی، مطالعه آن را به تمامی همکاران و مخاطبان رازی توصیه می‌کنیم.

شدن، رسالت‌ها و مسؤولیت‌هایی برای خود قایل شدند. به نظر می‌رسد این گروه‌ها به دلیل مبنایها و رویکردهای متفاوتی که داشتند روابط‌هایی می‌کردند. پدیدهایی که نویسنده‌گان به نمونه‌هایی از آن‌ها در لابه‌لای بحث اصلی اشاره می‌کنند.

۳ - پزشکی‌های بومی در اکثر کشورهای مورد مطالعه اعم از آن‌هایی که از همان اوان مواجهه با غرب در صدد احیا و بازسازی پزشکی مختص خود بودند؛ و یا آن‌هایی که در آن دوره به هر دلیلی نتوانستند به چنین ضرورتی دست یازند، اکنون شرایطی یافته‌اند که برای احیا و بازسازی علوم بومی خود اقدام نمایند. حرکت‌های ملی گرایانه، اسلام‌گرایانه و نیز ضرورت‌ها و تنگناهای اقتصادی؛ ناتوانی پزشکی زیستی از پاسخ‌گویی به نیازهای سلامت انسان؛ پی‌آیندهای جهانی شدن؛ و بالاخره فرآیند متکثر شدن ناشی از اندیشه پست‌مدرن و ... باعث شده که تمامی مکاتب پزشکی بومی تحت عناوین مختلف اسلامی، بومی، سنتی، جایگزین، مکمل و ... به نوعی به بازسازی و بازیابی خود مبادرت کنند. از این‌رو، مطالعه رویارویی نخستین و تداوم آن که در اشکال گوناگون و متفاوتی تجربه گردیده، بسیار راهگشا خواهد بود.

۴ - با وجود تلاش‌های بسیار گسترده‌ای که در کشورهای جهان سوم نظیر ایران، صورت گرفته است، توسعه علمی و شیوه‌های سرمایه‌گذاری برای تحقق آن هنوز بحث بسیار پردازنهای در